بحران ناکارآمدی؟

شرحی بر نقش و عملکرد مربیان خارجی در فوتبال ایران با بازخوانی تطبیقی نمایشنامه «دشمن مردم» اثر «هنریک ایبسن»

محمدرضا درخشان
M.R. Derakhshan

1 «ایبسن» از شاخص‌ترین چهره‌های نمایشنامه‌نویس جهان است که آثارش هنوز مخاطبان بسیاری دارد. نقش و جایگاه فراگیر ایبسن در عرصه نمایشنامه‌نویسی باعث گردید سال ۲۰۰۶ همزمان با یکصدمین سال درگذشت این نویسنده شهیر به‌عنوان سال «هنریک ایبسن» نام‌گذاری گردد.

ایبسن نویسنده‌ای واقع‌گرا بود که نوشته‌هایش حاصل زندگی واقعی وی در بطن جامعه بود. در مورد او اعتقاد بر این است که آن کسی که سر و کاری با زندگی دارد، سر و کاری هم با ایبسن خواهد داشت.

2 یکی از معروف‌ترین آثار ایبسن نمایشنامه «دشمن مردم» نام دارد. این نمایشنامه بیشتر از سایر نوشته‌های او مورد توجه قرار گرفته است. «دشمن مردم» متنی انتقادی است که در ابتدا یک معضل اجتماعی را مطرح می‌کند اما در لایه‌های زیرینش به دغدغه‌های انسان معاصر و چالش‌های جوامع نوین می‌پردازد.

محور اصلی این نمایشنامه به تقابل یک فرد در برابر یک جریان ناکارآمد جمعی بازمی‌گردد. در واقع «دشمن مردم» تصویری است از شکست «ایده‌آل‌گرایی» مطلوب در برابر «عمل‌گرایی» موجود. متن نمایشنامه بر سیر حوادث و اتفاقات مختلفی شکل گرفته و مضمون آن بازتاب‌دهنده این موضوع است که چگونه فردی دلسوز و آگاه نسبت به جامعه، در حالی که قصد کمک و جلوگیری از خطرات احتمالی را دارد، توسط همان جامعه طرد و منزوی می‌شود.

3 نمایشنامه «دشمن مردم» به بازگو کردن داستان زندگی اهالی یک شهر ساحلی در نروژ بازمی‌گردد. این شهر ساحلی دارای «چشمه‌های آبگرم معدنی» است. این قابلیت طبیعی و ارزشمند باعث تمایز این منطقه با سایر شهرهای اطراف گردیده است. شخصیت اول نمایشنامه «دکتر استوکمان» مقامات شهری را ترغیب به راه‌اندازی حمام‌های بزرگی برای استفاده مسافران می‌نماید. با این ابتکار «دکتر استوکمان» آینده‌ای روشن برای شهر رقم می‌خورد و ساکنان شهر از مزایا و منافع این ایده بهره‌مند می‌گردند. اما به یکباره و در حالی که همه شرایط ظاهراً خوشایند به‌نظر می‌رسد، «دکتر استوکمان» متوجه آلودگی آب‌های معدنی شهر به نوعی باکتری خطرناک می‌گردد.

استوکمان گزارشی از میزان آلودگی و تبعات ناشی از آن تهیه و برای شهردار و سایر مقامات محلی ارسال می‌کند اما شهردار که از قضا برادر او نیز می‌باشد با پیشنهاد دکتر مبنی بر «بازسازی کامل سیستم فاضلاب» به‌دلیل زمان‌بر بودن و پرداخت هزینه‌های مالی هنگفت مخالفت می‌ورزد و از استوکمان می‌خواهد از انتشار گزارش خود صرفنظر نماید. در واقع شهردار حاضر نیست به‌دلیل منافع شخصی خود و اطرافیانش از سلامت و منافع بلندمدت شهر دفاع نماید.

تلاش‌های گسترده «دکتر استوکمان» برای قانع نمودن مسئولان و اهالی شهر به‌منظور کم‌اثر نمودن آسیب‌های این ویروس هولناک راه به جایی نمی‌برد و در حالی که وجدان فردی استوکمان به‌دنبال دفاع از حقوق شهروندان می‌باشد، متهم به خصومت با مردم می‌گردد و لقب «دشمن مردم» را دریافت می‌کند.

4 «هنریک ایبسن» در نمایشنامه «دشمن مردم» بر بازگو نمودن حقایق تأکید و اصرار دارد؛ حقایقی که عموماً اشخاص آن را انکار می‌نمایند و برای نپذیرفتن حقیقت، به خود و دیگران دروغ می‌گویند. دکتر استوکمان به‌خوبی آگاه است که به‌دلیل معادلات پیچیده حاکم بر شهر، قدرت مقابله با این جریان را ندارد، ولی با هوشمندی ستودنی خود سعی می‌کند برخی معادلات جاری را برهم زده و از فجایعی که شهر را تهدید می‌کند، جلوگیری نماید.

ایبسن از زبان قهرمان داستان خود مردم را محکوم و مقصر نمی‌داند، بلکه آنان را قربانیان ژست‌های مصلحت‌اندیشانه مقاماتی به تصویر می‌کشد که با روش‌های مدیریتی و ناکارآمد خود، آینده شهر ساحلی را با مخاطره انداخته‌اند.

این اثر ارزشمند و سمبولیک با ارائه برخی شواهد و مصادیق به ایجاد دو حوزه معنایی «دوست مردم» و «دشمن مردم» اقدام می‌ورزد؛ دو حوزه‌ای که به‌طرز متناقضی جای‌شان را به یکدیگر داده‌اند و به‌گونه‌ای کنایه‌آمیز و عامدانه از مفاهیم یکدیگر اعاده حیثیت می‌کنند.

5 شبحی در دنیا در حال گشت‌وگذار است؛ شبح فوتبال. آن هم در قالبی نو و تکامل‌یافته. هر آنچه از شکل گذشته این ورزش سخت و استوار به‌نظر می‌رسیده، دود می‌شود و به هوا می‌رود.

شبح فوتبال با بازار، تکنولوژی و اجتماع پیوندهای ناگسستنی پیدا نموده است، از توجه جمعی برخوردار می‌باشد، رضایت عمومی تولید می‌کند و امکان دستیابی به یک توافق اجتماعی را سهل‌تر از گذشته امکان‌پذیر نموده. آری! با فوتبال می‌توان به تقویت ساختارهای ملی و انسجام موضوعات فراملی دست زد. فوتبال در دنیا ورزشی توسعه‌یافته محسوب می‌گردد. افکار تحول‌خواه، اسباب رشد و توسعه این پدیده محبوب را فراهم نموده‌اند. ساختارهای قدیمی در این ورزش در حال از بین رفتن می‌باشند و سبک جدیدی از ساز و کار اداره آن، در حال رشد و تکوین است.

پس شاید بتوان اینگونه تفسیر نمود: «هر تصویری از گذشته که زمان حال آن را از آن خود نشناسد، ناگزیر دستخوش فراموشی می‌شود.»

6 روزگاری جوزپه دی لامپه در رمان معروف خود «یوزپلنگ» نوشت: «همه‌چیز باید عوض شود تا اوضاع همین‌طورکه هست بماند.» فوتبال ایران در بطن جامعه‌ای که سیکل معیوبی را از سنت به مدرنیته گذرانده، موقعیت و جایگاهش را به شیوه‌ای نادرست معنا و تفسیر نموده است.

در واقع فوتبال در ایران توصیفی است برگرفته از نابسامانی و حاشیه‌های فراتر از متنی که به‌جای پایبندی و وفاداری به واقعیت‌های حرفه‌ای حاکم بر این ورزش، بیشتر وامدار و منطبق بر محدودیت‌ها و باورهای ذهنی و فرهنگی خارج از آن می‌باشد.

7 زمانه داوری هوشیار و خردمند است. «بحران ناکارآمدی» سکه رایج تمام ادوار مدیریت فوتبال در ایران بوده است اما نه بدین تلخی و نه بدین ناشی‌گری سال‌های اخیر. ناکامی‌های مستمر و نارضایتی فراگیر علاقه‌مندان فوتبال، پیامد انحطاط نهاد فدراسیون در مقابل قدرت‌های فرامتنی و مداخله‌گر در آن است.

به‌واقع فوتبال ایران به «راهنمای ذبح آمال و آرزوهای هواداران» تبدیل شده است، همچنان که این ورزش با محور قرار دادن یک تفسیر پراگماتیستی و غلط، توصیفی است از یک شرایط ویژه و حیرت‌آور؛ آشفتگی و شلختگی از منظر تشکیلاتی، نزول و سقوط از منظر فنی و همچنین سرخوردگی و ناامیدی در میان سکوها.

8 رایکوف، اوفارل، استانکو، ایویچ و بلازوویچ نسلی برگزیده و شاخص از مربیان خارجی محسوب می‌گردیدند که متناسب با بضاعت فوتبال ایران از خود تأثیرات شگرفی بر جای گذاشتند. این مربیان جریان‌ساز متأثر از روح و شرایط زمانه خود و با آگاهی کامل از محدودیت‌های ساختاری فوتبال ایران، محور عمده فعالیت خود را بر اساس استعدادهای غریزی موجود در این ورزش یا همان «معنا و متن» فوتبال ایران پایه‌گذاری نموده بودند. این نفرات علاوه بر برخورداری از تخصص قابل ستایش در عرصه فوتبال، از طبعی بلند و روحی سازگار بهره‌مند بودند. مردانی کارآزموده با بینشی روشن که از «ظاهر متواضع» و «نبوغ پنهان» فوتبال ایران چهره‌ها ترسیم کردند، نقش‌ها آفریدند و تاریخ‌ها رقم زدند.

9 برای رفتن به جنگ تاریکی شمشیر لازم نیست، چراغ لازم است. فوتبال ایران در سال‌های اخیر همزمان با توسعه حداکثری این ورزش در دنیا، با نسل جدیدی از مربیان خارجی مواجه گردید؛ مربیانی برخواسته از روح توسعه‌گرای فوتبال که برخلاف اسلاف خود تنها به «متن و معنای» فوتبال اکتفا نمی‌کردند.

این گروه جدید از مربیان بر اساس تئوری «جامعه‌شناسی شناخت» توسعه و موفقیت فردی و جمعی در فوتبال را وابسته به ساختارهای مدرن و وجود امکانات و ابزار متناسب با آن تشریح می‌کردند. بر همین اساس علاوه بر بها دادن به نبوغ فردی و به رسمیت شناختن استعدادهای غریزی، به شکلی از اداره و ارائه فوتبالِ معتقد بودند که طی آن متن و محتوای فوتبال عملاً بدون وجود فرم و ساختار امکان بروز و ظهور پیدا نمی‌نمود. این مربیان نوگرا برای پیاده نمودن پروژه‌های ذهنی خود خواستار پیوستگی کامل در کلیه سطوح و لایه‌های مرتبط با فوتبال بودند. برای آنان فوتبال مدرن از ابعاد و اشکالی فراتر از مستطیل سبز معنا می‌یافت.

10 آن که در پی هدف است باید در پی وسیله نیز باشد. این دست مربیان نوگرا بر اساس فلسفه‌های نوین فوتبال به مطالبات معمول و متعارفی در جهت

ویژه نامه آخر هفته ایران ورزشی

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرعامل موسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران:
مهدی شفیعی
مدیر مسئول: علی عالی
دستیاران سردبیر:
آرمن ساروخانیان، رسول مجیدی، مجتبی رفیعی

سرویس فوتبال ایران:
فرشاد کاس‌نژاد، ناصر قراگزلو، وصال روحانی، حمیدرضا عرب، سعید آقایی، جعفر برزگر، امیر اسدی، محمد قراگزلو، هومن جعفری، اکبر منتشلو، سمیرا شیرمردی، بهناز میرمطهریان، مهدیه دریابیگی، حسین قهار، سامان موحدی، سام ستارزاده، نوید صراف، سالار علیخواه، مجتبی صدوقی، پویا جاویدان، احسان محمدی، علی مغانی
سرویس ورزش جهان:
اشکان نعمت‌پور، یاسر احمدی، سیدعلی بلندنظر، حمید کشاورز
سرویس ورزش ایران:
آزاده پیراکوه، محسن وظیفه، رضا عباسپور، محسن آجرلو، ناصر انصافی مقدم، شکوفه موسوی، وحید جعفری
صفحه‌آرایی: فرشید بهاری، محسن ذاکری
حامد حسینی، علی عباسی، نسرین کاظمی
طرح روی جلد: شهاب جعفرنژاد
عکس: نعیم احمدی
ویراستاران: مسعود قراگزلو، علیرضا عبدالوند، مهرداد افشار، فرشته معتمدی، معصومه مهدوی روشن، لیلا امیری، سیده زهرا آرامی
روابط عمومی: سمیه مهدی‌پور
سپاس ویژه از
بهمن فروتن، مجید جلالی، جلال چراغپور، شهاب پاک نگر، رضا درویش
لیتوگرافی: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
چاپ: ایرانیان
آدرس: تهران، خیابان خرمشهر، پلاک ۲۰۸
تلفن: ۴-۸۸۵۰۴۱۱۳ نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳
امور مشترکین: ۹-۲۲۲۲۴۳۸
سازمان آگهی: ها: ۸۸۵۰۰۶۱۷